مطالعات تاریخ اسلام
سال چهارم/ شماره‌ی ۱۲/ بهار ۱۳۹۱

علل رواج اعتیاد در جامعه‌ی عصر قاجار و آثار اجتماعی آن

سید هاشم آقاجری[۱]
مهدی دهقان حسام‌پور[۲]
کامران حمانی[۳]

چکیده: رواج اعتیاد بین ایرانیان در عصرقاجار را می‌توان یکی از مشخصات اجتماعی این دوره به حساب آورد. علل و عوامل مختلفی در افزایش اعتیاد به تریاک در بین ایرانیان در عصر قاجار نقش داشته‌اند. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به در دسترس‌بودن و فراوانی این ماده، تلقی نادرست مردم، کم‌اطلاعی پزشکان سنتی این دوره و تجویز تریاک توسط آنان برای هر نوع بیماری، اشاره کرد. همچنین، برخی مشکلات روانی ناشی از سرخوردگی‌های اجتماعی و مفید پنداشتن به مصرف این ماده، در این روند تأثیر نسبی داشته‌اند. با توجه به ویژگی اعتیاد به تریاک و قدرت تخریب کنندگی بالای آن، این ماده در جامعه‌ی عصر قاجاریه تبعات منفی زیادی به دنبال داشته است. از مهم‌ترین این مشکلات می‌توان به کم‌کاری، ایجاد برخی محیط‌های غیرمتعارف و زننده، از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها و ناموس‌فروشی به منظور تهیه‌ی مواد، اشاره کرد. هر چند باید یادآوری کرد که تأیید این که اعتیاد تأثیر کلان بر اقتصاد عصرقاجار داشته و موجب عقب‌ماندگی‌های جامعه‌ی آن دوره شده است، بسیار پیچیده می‌نماید، زیرا چنین به نظر می‌رسد که دست‌یابی بدان چندان امکان پذیر نباشد.

واژه‌های کلیدی: تریاک، اعتیاد، دوره‌ی قاجاریه

---

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس h- Agajari@yahoo.com
۲ کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس md6998@gmail.com
۳ کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس mr-kamran85@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۵، تاریخ تأیید: ۹۱/۳/۲۷

Common Causes of Drug Addiction in the Qajar Era and its Social Effects

Seyyed Hashem Aghajari[1]
Mahdi Dehghan Hesampoor[2]
Kamran Hamani[3]

Abstract: Prevalencing of addiction among Iranian people in Qajar period can be considered as one of the social characteristics of that time. Different factors have played roles in increasing the addiction to opium among Qajar-age Iranians. The most important ones include the abundance and accessibility of this material, the wrong views of people, and the little medical information of physicians who prescribed opium for every illness. In addition, some psychological disorders originated from social knots and the common positive viewpoint to opium consuming played their roles in this procedure. Regarding the addictive feature of opium and its destructing nature, it has led to many negative effects on the Qajar-age society. The most significant of such problems included little work, forming some discourtesy environments, dissipation of families and selling the female members of the family as prostitutes to get money for buying opium. However, it is noteworthy that corroborating that the addiction has exerted a large impact on economy and social retardation in the Qajar age, is a difficult and somehow impossible task.

Keywords: Opium, Addiction, Qajar Period

1 Assistant Professor of History in Tarbiat Modares University h- Agajari@ yahoo.com
2 Senior Expert of Iran Islamic History in Tarbiat Modares University md6998@gmail.com
3 Senior Expert of Iran Islamic History in Tarbiat Modares University mr-kamran85@yahoo.com

مقدمه

پیشینه‌ی اعتیاد به تریاک در دنیا به‌درستی مشخص نیست و برخی آن را به دوران مصر باستان می‌رسانند. در ایران بی‌گمان ایرانیان باستان با گیاه کوکنار (خشخاش) به عنوان پادزهر و تریاک آشنا بوده‌اند. این‌که تریاک از چه زمانی در ایران به عنوان ماده‌ای مخدر و مکیف مورد استفاده قرار گرفته است، اطلاع دقیق و درستی در دست نیست. بی‌تردید نخستین روش استعمال کوکنار، برخلاف شیوه‌ی کنونی، خوردن آن به صورت‌ها و با ترکیبات مختلف بوده است[۱]. با همه‌ی این‌ها، برخی پیشینه‌ی مصرف تریاک را به صورت مخدّر، به دوران رواج آیین مهرپرستی در ایران می‌رسانند و بر این باورند که نوشابه‌ی سکرآوری که در مراسم بزرگ‌ترین جشن مهریسن نوشیده می‌شد، آمیزه‌ای از گیاه سکرآور هوم یا گوکرن با خون گاو بوده است.[۲]

در دوره‌ی بعد از اسلام در ایران، پزشکان ایرانی، همچون ابن‌سینا، زکریای رازی و جز آن‌ها، از خواص دارویی تریاک و شیره‌ی کوکنار به خوبی آگاه بوده و از آن بهره می‌برده‌اند. نخستین گزارش تاریخی که از مصرف تریاک در دست است، از ابوالفضل بیهقی است. به گفته‌ی او، در سال ۴۳۱هق/۱۰۳۹م، سلطان مسعود غزنوی را با خوردن تریاک چنان خواب درربود که نه تنها فرصت بیرون راندن طغرل سلجوقی را از دست داد، بلکه در اثر این غفلت بساط غزنویان نیز از ایران برچیده شد.[۳]

حضور مغولان در ایران را، اگر نه همچون یکی از عامل‌های رواج افیون در ایران بپنداریم، دست کم آن را در شرایط بد اجتماعی پدید آمده در ایران، می‌توان عاملی غیرمستقیم در گرایش مردم به تخدیر پنداشت.[۴] با آغاز حکومت صفویان از سده‌ی دهم هجری قمری، مصرف تریاک بسیار زیاد شد. در واقع، عصر صفوی نقطه عطفی در رواج مصرف تریاک به شمار می‌آید، چنان‌که اولئاریوس می‌نویسد:«یکی دیگر از رسوم ایرانی‌ها، نه همه افراد بلکه بسیاری از آنان اینست که تریاک مصرف می‌کنند و آن را افیون نیز می‌نامند. از تریاک حبه‌ای کوچک به اندازه یک نخود درست می‌کنند و می‌بلعند. معتادین به تریاک قادرند نیم کوئنتین

---

۱ مهدی دهقان حسامپور(زمستان۱۳۹۰)، تریاک، علل رواج کشت و آثار آن بر اقتصاد و جامعه ایران (۱۲۱۰-۱۳۴۴)، *پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس، به راهنمایی سید هاشم آقاجری، ص ۲۴۵.

۲ جواد برومند (۱۳۶۶)، *افیون در شراب*، تهران: چیستا، صص۲۵۹و ۲۶۳.

۳ ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی (۱۳۵۰)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ص ۸۰۴.

۴ حسنعلی آذرخش(۱۳۳۴)، *آفت زندگی*، تهران: [بی‌نا]، صص۳۴۶-۳۴۷.

و بیش ازاین مقدار را مصرف و تحمل کنند. برخی تریاک را هرروز می‌خورند زیرا مایلند همواره نشئه باشند. عطاران از فروش تریاک سود بسیار می برند زیرا تریاک به وفور مصرف می شود».[۱] این روند مصرف تریاک در دوره‌ی قاجاریه نیز ادامه پیدا کرد و افراد زیادی از همه‌ی طبقات به این ماده دچار شدند؛ در نتیجه، اعتیاد به آن، جامعه‌ی عصر قاجار را تحت تأثیر خود قرار داد. پرسش‌هایی که در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم، به شرح زیر است:

رواج اعتیاد به تریاک در بین طبقات مختلف در دوره‌ی قاجاریه به چه عللی بوده است؟ اعتیاد چه تأثیراتی بر جامعه و اعضای آن در عصر قاجار داشته است؟

فرضیه‌ی تحقیق بر این امر استوار است که، تریاک بنا به عللی، مانند در دسترس بودن و فراوانی، مشکلات اجتماعی، تصورات اشتباه مردم و اطلاعات اندک پزشکان درباره‌ی تریاک، و تجویز آن برای هرگونه بیماری، رواج پیدا کرد. اعتیاد به تریاک، و قدرت تخریب‌کنندگی این ماده نیز مشکلات اجتماعی متعددی، مانند از هم‌پاشیدن خانواده‌ها، فروش افراد خانواده به منظور تأمین تریاک، و اخلال در برخی فعالیت‌های نظامی و کاری را به دنبال داشت.

پیشینه‌ی تحقیق

در مورد علل رواج اعتیاد و آثار آن بر جامعه‌ی ایران در دوره‌ی قاجاریه، تاکنون تحقیقی صورت نگرفته و موضوع مذکور بدیع است. اگر چه باید گفت برخی کتاب‌های اجتماعی دوره‌های بعد و همچنین تحقیقات جدید به صورت غیرتخصصی و در کنار سایر مسائل اجتماعی نگاهی گذرا به تریاک‌کشی در این مقطع زمانی داشته‌اند، لیکن هیچیک به ریشه‌یابی اعتیاد و آثار اجتماعی آن نپرداخته‌اند. کتاب جعفر شهری با عنوان *گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم* در کنار سایر موضوعات اجتماعی، تنها به رواج اعتیاد در جامعه‌ی ایران در دوره‌ی قاجاریه و پهلوی اول توجه کرده است، عبدالحسین نوایی از محققان معاصر، از پژوهش‌گرانی بوده که به بحث تریاک‌کشی در طول تاریخ ایران توجه نشان داده است. وی در دو مقاله با عنوان‌های «ماجراهای منع تریاک»[۲] و «اسنادی از داستان تریاک»[۳] به سابقه‌ی اعتیاد در ایران و اقدامات

---

۱ آدام الئاریوس(۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه‌ی احمد بهپور، [بی‌جا]: سازمان انتشارات فرهنگی ابتکار، صص ۲۷۲-۲۷۳.

۲ نوایی، عبدالحسین(زمستان ۱۳۷۳)، «ماجراهای منع تریاک»، *گنجینه اسناد*، ش۱۶، صص ۱۶-۳۵.

۳ نوایی، عبدالحسین (پاییز و زمستان ۱۳۷۷)، «اسنادی از داستان تریاک»، *گنجینه اسناد*، ش۳۱ و ۳۲، صص ۶۲- ۷۵.

دولت پهلوی اول برای جلوگیری از گسترش اعتیاد در بین مردم توجه کرده، امّا مطلب چندانی در باب علل رواج و آثار اجتماعی آن در دوره‌ی قاجاریه ننوشته است. باستانی‌پاریزی نیز در کتابی با عنوان *از سیر تا پیاز*، به تریاک‌کشی در بین مردم ایران اشاره کرده است. همچنین، مهشید لطیفی نیا در مقاله‌ای با عنوان «تریاک و اقدامات انجمن مبارزه با تریاک و الکل»[۱]، به اقدامات دولت پهلوی اول در مبارزه با مصرف تریاک پرداخته است.

علل رواج اعتیاد به تریاک در جامعه‌ی عصر قاجار

رواج اعتیاد در جامعه‌ی عصر قاجار را نمی‌توان به گونه‌ای تک علتی تبیین کرد. مجموعه‌ای از علل و عوامل متعدد در رواج این ماده‌ی خام نقش داشته‌اند. عده‌ای معتقد هستند با توجه به هم‌زمانی تشکیل کمپانی هند شرقی انگلیس با اوائل دولت صفویه و فعالیت کمپانی مذکور در تولید و قاچاق تریاک به چین، ایران و برخی کشورهای دیگر، که سرانجام منجر به جنگ‌های تریاک بین انگلیس و چین شد، این کمپانی و عمال فرومایه‌ی داخلی آن در معتاد کردن ایرانی‌ها نقش فراوان داشته‌اند. بنابراین، سیاست استعمارگران انگلیسی را در اشاعه‌ی اعتیاد در بین ایرانیان باید مهم‌ترین عامل تلقی کرد.[۲]

در مورد نقش انگلیسی‌ها در رواج اعتیاد در بین ایرانیان، به نظر می‌رسد بیش از آن‌که علل و عوامل آن به‌صورت علمی مورد بررسی قرار گرفته باشد، نوعی توهم توطئه در تحلیل این مسئله وجود دارد. گرچه عوامل انگلیسی در رواج کاشت خشخاش در ایران در دوره‌ی قاجاریه نقش ایفا کردند، اما باید در نظر داشت که این مسئله به معنای نقش انگلیسی‌ها در رواج اعتیاد در بین ایرانیان نیست. معمولاً رواج اعتیاد در بین کشورهای شرقی به عنوان یکی از حربه‌های استعماری در مقابله با شرق قلمداد شده است. این مسئله در مورد کشور چین که انگلیسی‌ها در دو جنگ تریاک، این کشور را مجبور به وارد کردن تریاک نمودند، صادق است. واقعیت تلخ در مورد ایران این است که پیش از رواج کاشت تریاک به صورت تجاری در دوره‌ی قاجاریه، مصرف تریاک در بین مردم ایران رواج داشته و این نکته از گزارش‌های منابع این دوره هویداست. آیا در دوره‌ی صفویه نیز باید انگلیسی‌ها را عامل رواج اعتیاد در بین ایرانیان برشمرد؟ به نظر

---

۱ لطیفی مهشید (پاییز و زمستان ۱۳۷۱)، « تریاک و اقدامات انجمن مبارزه با تریاک و الکل»، *گنجینه اسناد*، ش ۷ و ۸، صص ۱۱۰- ۱۲۹.

۲ حسن اسعدی (۱۳۸۲)، *پژوهشی درباره‌ی مواد مخدر*، [بی‌جا]: ناشرمؤلف، ص ۱۲۸.

می‌رسد پررنگ کردن نقش انگلیسی‌ها در رواج اعتیاد در بین ایرانیان، پاک کردن صورت مسئله و انکار واقعیت است.

بلوشر که در اواخر دوره‌ی قاجاریه در ایران حضور داشته است، رواج تریاک در بین مردم را به علت مشکلات اجتماعی و روانی می‌داند و می‌نویسد: «زندگی مردم تنگدست، به خصوص دهقانان و رعایا در آن کلبه‌های خشت و گلی ابتدائی، خالی از هر تنوع و جاذبه است. چون اینان نمی‌توانند عملاً و واقعاً به زندگی خود بهبود بخشند، می‌کوشند که آن را در عالم خیال به صورت دلخواه درآورند. این توهم و خیال هم چیزی است که با توسل به [مواد] مخدر فراهم می‌آید. بدیهی است که در کنار این مردم، گروه دیگری نیز هستند که برای دست‌یابی به لذت بیشتر و بیشتر به [مواد] مخدر پناه می‌برند».[۱] آنتونی اسمیت در مورد چرایی روی آوردن روستاییان به تریاک، می‌نویسد: «مشکلات زندگی اهالی منحصر به غارت شدن بوسیله خارپشت‌ها نمی‌شود، مشکلات آنان از شمار خارج است. روستاییان بدون کوچکترین دلیل با مشکلات و مشقات زندگی خو گرفته و نسبت به آنها بی‌تفاوت شده‌اند و ظاهراً از وضع خود راضی هستند. اگر هم راضی نباشند سعی می‌کنند با نشئه تریاک به مشکلات زندگی پشت نمایند».[۲]

گروه دیگری، نقش علما را در این مسئله پررنگ کرده‌اند. در عصر قاجاریه مراجع تقلید مصرف تریاک را، برخلاف مصرف الکل، حرام اعلام نمی‌کردند؛ چرا که از یک‌سو در آن روزگار زیان‌های تریاک هنوز کشف نشده بود و از سوی دیگر خاصیت تسکین‌بخشی مصرف آن را می‌شناختند.[۳] اگر به بافت دینی عصر قاجار و میزان نفوذ روحانیت در بین مردم در این دوره توجه کنیم، به نظر می‌رسد که اعلام ممنوعیت مصرف تریاک از سوی مراجع تقلید، می‌توانسته از رشد اعتیاد در بین مردم جلوگیری کند.

در زمان قاجاریه، چون علم داروسازی و پزشکی پیشرفت نکرده بود، گرایش مردم به مصرف تریاک برای تسکین دردهای خود زمینه ساز اعتیاد به شمار می‌رفت؛ زیرا ناآگاهی مردم از زیان‌های جسمانی و روانی تریاک و عدم توجه به این‌که تسکین درد و علاج نکردن منشاءِ بیماری موجب کمون و مزمن شدن بیماری می‌شود، باعث می‌شد که بیمار درد را به طور

---

۱ ویپرت بلوشر (۱۳۶۰)، سفرنامه‌ی بلوشر، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۲۸۹.

۲ آنتونی اسمیت (۱۳۶۹)، *ماهی سفید کور در ایران*، ترجمه‌ی محمود نبی‌زاده، تهران: نشر گستره، چ۱، ص ۲۲۰.

۳ علی غنجی(۱۳۸۵)، *ژئوپلیتیک مواد مخدر*، تهران: معاونت آموزش ناجا، ص ۵۳.

موقت به وسیله‌ی تریاک تسکین دهد و در پی تکرار مصرف آن معتاد شود، غافل از آن‌که، علاوه بر معتاد شدن بیمار، مرض هم، سیر پیشرفت خود را همچنان طی می‌کند.[۱]

پزشکان سنتی هم که علم چندانی در این باره نداشته‌اند، به این مسئله دامن می‌زده و به روند رواج تریاک یاری می‌رسانده‌اند. ادیب الحکما در این باره می‌نویسد: «بعضی از اطبای اصحاب اخلاط، و پزشکان قدیمی مسلک، ادله و براهین اقامه می‌کنند که افیون از جمله ادویه مرکب القوی است، بالخاصه مانع از تعفن اخلاط و تحلیل حرارت غریزیه اعضا و حافظ قواست. عجب دارم از استدلالی که هرگز مأخذ علمی و اصول فنی ندارد، جز این‌که موجب اختلال خلق و منافی رضای حق می‌باشد».[۲] شهری، درباره‌ی تجویز تریاک برای بیماری‌های مختلف، می‌نویسد: طبق سنت، اولین دستور به سرماخورده‌ها این بود که تریاک بخورند یا بکشند و به پیشانی و داخل بینی خود بمالند و غشی‌ها را تریاک بخورانند و دیوانه‌ها را که تجویز تریاک بکنند و سردردی‌ها را دستور تریاک بدهند، و سرفه و سینه‌درد و تنگ‌نفس و زخم‌ها و دردها، از جمله نقرس و درد دست و پا و درد طحال و خشونت و غضب را، دوای مؤثرشان تریاک بشناسند توصیه کنند.[۳]

در دسترس‌بودن و خاصیت تسکین درد این ماده باعث شده بود که هر پزشک و یا هر فردی؛ بلافاصله بعد از کوچک‌ترین احساس دردی، مصرف آن را برای خود و یا دیگران توصیه کند. این مسئله خود یکی از عوامل مهم در اشاعه‌ی اعتیاد در بین ایرانیان بوده است. در واقع، مصرف دارویی تریاک، یکی از راه های مهم اعتیاد به این ماده در عصر قاجاریه به شمار می‌آید. خود درمانی مناسب‌ترین نامی است که می‌توان بر برخی استفاده‌های پزشکی تریاک در دوره‌ی قاجاریه گذاشت. اعتمادالسلطنه در مورد درمان خود به وسیله‌ی تریاک، می‌نویسد: «نصف شب درد دل و معده شدیدی عارض شد. در این بین باد و طوفان برخاست. نزدیک بود چادر بر سرم خراب شود، بیخوابی سرم زد. بعد از استعمال حب افیون و « کنیاک» رفع بیخوابی و درد دل را نمودم».[۴] پولاک راجع به نگرش مردم در مورد درمان به‌وسیله‌ی تریاک، می‌آورد: اشخاص فربه هم برای لاغرشدن تریاک مصرف می‌کنند و باید در ساعات معین بخورند و اگر در ساعات معین به آن دسترسی نداشته باشند، مبتلا به کسالت می‌شوند. در

---

۱ همان، ص ۵۳.

۲ سلیم ادیب الحکما(۱۳۶۴)، *صحبت سنگ و سبو*، به کوشش مهین اثنا عشری، تهران: نشر تاریخ ایران، ص ۱۵.

۳ جعفر شهری[بی‌تا]، *گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم*، ۵ج، ج۵، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۳۹۱.

۴ محمد حسن خان اعتماد السلطنه (۱۳۷۷)، *روزنامه‌ی خاطرات*، مقدمه و فهارس از ایراج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۷۵.

واقع، با توجه به خاصیت تسکین‌دهندگی آن افراد با خوردن تریاک فکر می‌کرده‌اند بیماری خود را درمان کرده‌اند. در حالی که هیچ‌گونه درمانی اتفاق نمی‌افتاده و تنها درد حاصل از بیماری موقتاً تسکین پیدا می‌کرده است.

شیوع تریاک در بین مردم مناطق مختلف ایران

گزارش‌های فراوانی در مورد استعمال تریاک در نقاط مختلف ایران وجود دارد. دالمانی در این باره می‌نویسد: «اغلب ایرانیان به کشیدن این سم مهلک عادت کرده‌اند و مخصوصاً در خراسان شماره تریاکیان فوق‌العاده زیاد شده است. تریاک کشیدنی را اغلب به شکل لوله درست می‌کنند. انحطاط اخلاقی در اروپا از افراط در مشروبات الکلی تولید می‌گردد ولی در ایران بواسطه اعتیاد بکشیدن تریاک ایجاد می‌شود و آدم تریاکی ضعیف‌النفس و بی‌اراده است و در کارها عزم و همتی بروز نمی‌دهند و بسا می‌شود که خانواده خود را به فقر و پریشانی رقت آوری مبتلا می‌کنند و عجیب‌تر این‌که روز به روز شماره تریاکیان در ایران زیادتر می‌شود».[۱] همچنین ریچار، به شایع بودن مصرف تریاک در کرمان اشاره می‌کند و می‌آورد : « در شهر کرمان از ۶۰۰۰۰ نفر جمعیت ۲۵۰۰۰ تن معتاد به تریاک بودند و به شوخی و مزاح می‌گفتند در کرمان از هر سه تن چهار تن معتاد به تریاک هستند».[۲] پولاک هم می‌گوید: در نواحی پست ساحلی دریای خزر، مقدار مصرف روزانه معمولاً دو برابر آن، یعنی سه تا چهار گران [قران] است. مصرف تریاک با این نظم و دقت و حتی اگر به تدریج به مقدار آن اضافه گردد، بر اعضای بدن اثر زیان‌بار دارد؛ در فعالیت روحی و جسمی انسان اختلال ایجاد نمی‌کند و به استثنای ایجاد یبوست و به ندرت سستی آلت تناسلی، نه باعث تقویت و نه موجب ضعف قوای جنسی می‌گردد.[۳] سخن پولاک در مورد تأثیر تریاک بر قوای جنسی، صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا که طبق همه‌ی تحقیقات پزشکی امروز، اعتیاد به تریاک قوای جنسی را به تحلیل می‌برد. فرد معتاد بعد از مدتی به نوعی دچار عدم تمایلات جنسی می‌شود و این میل در او از بین می‌رود. ادیب الحکما در مورد کشیدن تریاک در منطقه‌ی گرگان می‌نویسد: «کشیدن تریاک میان طوایف تراکمه یموت معمول نیست ولی کوکلان‌ها به واسطه قرب جوار خراسان و مراوده با اهل بوژنورد و

---

۱ هانری رنه دالمانی(۱۳۳۵)، *سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری*، ترجمه‌ی علی محمد فره‌وشی،۲ج، تهران: چاپ گیلان، ص ۹۵.

۲ ریچار فرد(۱۳۶۱)، *نقش انگلیس در ایران*، ترجمه‌ی فرامرزی، ج۱، تهران: انتشارات فرخی، ص ۲۰ .

۳ یاکوب ادوارد پولاک(۱۳۶۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، چ۲، ص ۴۳۶.

قوچان مبتلا هستند».[۱]

این گزارش‌ها که توسط افراد مختلف در مورد مناطق متفاوت ایران بیان شده است، نشان از شیوع مصرف تریاک در بین مردم مناطق مختلف دارد. در واقع، هر کدام از سیاحان مناطقی را که مورد بازدید قرار داده‌اند، از آن منطقه به‌عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ی تریاک نام برده‌اند. آیا می‌توان مناطقی را که میزان مصرف تریاک در آن نسبت به مناطق دیگر بیش‌تر بوده است، مشخص کرد؟ اگر بخواهیم با این استدلال داوری می‌کنیم که در مناطقی که میزان تولید تریاک بیش‌تر بوده، پس میزان اعتیاد هم در بین مردم آن‌جا رواج بیش‌تری داشته است، باید مناطقی مانند اصفهان، کرمان، خراسان و فارس را در صدر قرار دهیم. البته، این استدلال مبنای چندان محکمی نمی‌تواند داشته باشد و نمی‌توان بر اساس آن قضاوت درستی کرد. اگر بخواهیم از لحاظ جمعیتی، میزان مصرف و شیوع اعتیاد تریاک را رده بندی کنیم، تهران، با توجه به موقعیت پایتختی و جمعیت بیش‌تر آن، در صدر قرار خواهد گرفت.به نظر می‌رسد نام بردن از تهران به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌ی تریاک در ایران، چندان دور از واقعیت نباشد. خراسان و اصفهان، از لحاظ مصرف تریاک، می‌توانسته‌اند در رده‌های بعدی قرار داشته باشند. باید توجه داشت که این رده‌بندی مبنای چندان مطمئنی ندارد و تنها با توجه به عواملی مثل میزان جمعیت، این نکته بیان می‌شود.

اعتیاد در بین عامه‌ی مردم

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد، تولید تریاک به طور مشخص در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم میلادی چندین برابر شد. در دوره‌ی قاجاریه، در مقایسه با دوره‌ی صفوی که تولید تریاک تنها به منظور مصرف شخصی صورت گرفته است، قطعاً تعداد افراد تریاکی باید افزایش پیدا کرده باشد. اما واقعیت این است که نمی‌توان به طور مشخص گفت این افزایش به چه میزان بوده است. «نباید چنین تصور کرد که تریاک فقط برای کیف در ایران به مصرف می‌رسد، ایرانیان مقدار کم آن را مفید می‌دانند و از جمله مواد مقوی به شمار می‌آورند. مسافرینی که راه‌های طولانی و خسته کننده را طی می‌کنند همیشه تریاک با خود دارند و در مواقع لزوم می‌خورند و آنرا یکی از بهترین نعمات آسمانی می‌پندارند».[۲]

---

۱ ادیب الحکما، همان، ص ۴۳.

۲ دالمانی، همان، ص ۸۸.

شهری، در مورد شیوع تریاک در بین ایرانیان، می‌نویسد: «به این صورت که در زمان احمد شاه از هر ده نفر شش بلکه هر ده تنشان تریاکی و معتاد به آن گردیده، چه تا حد کودکان و نوزادان پیش رفته بود».[۱] هر چند سخن مذکور اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد، لیکن آنچه از آن می‌توان دریافت، شیوع بالای تریاک در بین افراد جامعه‌ی عصر قاجار است.

متناقض‌ترین گزارش‌ها در مورد شیوع تریاک در بین ایرانیان، مربوط به ویلس است. وی در یکی از گزارش‌های خود می‌نویسد: «هرگاه مستعملین با امساک آن را استعمال نمایند هرگز صدمه و ضرری از تریاک نخواهند دید. در ایران از اشخاصی که عادت بخوردن تریاک داشته باشند بسیار کم دیده می‌شود و کشیدن تریاک به جز در مواقعی که که حکما تجویز نمایند گویا تقریباً به هیچ‌وجه اتفاق نمی‌افتد».[۲] اما او در ادامه‌ی همین مطلب سخن خود را نقض می‌کند و می‌گوید: «ایرانیان در جعبه‌های کوچک نقره که آنرا قوطی تریاک می‌نامند و شباهت کلی با انفیه‌دانهای مملکت ما دارد تریاک را می‌گذارند. تقریباً هر یک از ایرانیان از دولتمند تا فقیر گویا یک جعبه از جهت حفظ تریاک باید داشته باشد. مقدار تریاکی که هر یک از ایرانیان استعمال نمایند عبارت از یک یا دو حبه تریاک است که آنرا برحسب عادت، یکی در صبح و یکی در شام می خورند و مسافرین نیز همیشه تریاک استعمال می‌نمایند».[۳] استارک نیز درباره‌ی مردم منطقه‌ی لرستان آن‌زمان، می‌نویسد: مردان چهره‌هایی دراز و جوش‌دار و چشمانی نزدیک به هم داشتند، ولی نیرومند و درشت استخوان و سالم بودند و جلگه‌نشینان را به حساب نمی‌آوردند و می‌گفتند ما در این منطقه [لرستان]تریاک نمی‌کشیم.[۴] این گفته‌ی استارک مورد تردید است و نباید آن را چندان جدی گرفت. عدم مصرف تریاک در یک منطقه، بیش‌تر از آنچه واقعیتی را در مورد آن قسمت از کشور بیان کند، به نظر می‌رسد محل کوچک یا ایل خاصی را توصیف کرده باشد. عین‌السلطنه در *روزنامه‌ی خاطرات* خود در مورد مصرف تریاک بعد از ناهار، می‌نویسد: «قزوینیها و مردمان کلاش طهران غنیمت شمرده استفاده نمودند. بعد از ناهار بساط تریاک پهن بود و اطراف منقل نه یکی نه دوتا بلکه ده‌ها و بیستها آدم نشست، هی تریاک، هی قلیان، هی چای الی عصر و شب حضرت اقدس والا مست این تملقات و مست

---

۱ شهری، همان، ج۵، ص ۳۹۱.

۲ چارلز جیمز ویلس(۱۳۶۶)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ترجمه‌ی سیدعبدالله، تهران: انتشارات طلوع، ص ۳۲۴.

۳ همان، ص ۳۲۵.

۴ فریا استارک(۱۳۶۴)، *سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام*، ترجمه‌ی علی محمد ساکی، تهران: انتشارات علمی، چ ۱، ص ۱۲.

وزارت تلگراف بود».[۱]

بجز گزارش‌هایی که به صورت کلی در مورد رواج مصرف تریاک قضاوت کرده است؛ در گزارش‌هایی نیز که به اشخاص مختلف در نقاط مختلف ایران اشاره کرده‌اند نیز بر می‌خوریم که به دلیل حجم زیادشان، مجبور به گزینش بعضی از آن‌ها هستیم. در دوره‌ی قاجاریه تقریباً در مورد اکثر نقاط ایران گزارش‌هایی از این‌گونه وجود دارد. این فراوانی نشان‌دهنده‌ی شیوع مصرف تریاک در ایران است. سدیدالسلطنه در مورد فردی در سورمق فارس می‌نویسد: «خیرالله بیگ زیاد خدمت نمود جوان معقول وارسته‌ای است. افسوس گرفتار وافور و تریاک و زیاد ضعیف و نحیف است»؛[۲] و یا هم او در گزارش دیگری می‌نویسد: «میرزا یوسف پسر میرزا علی اکبر قناد یزدی ساکن رفسنجان و خوش انشا است، معروف به زیبا قلم است. جوان و مبتلا به وافور است و شعر می‌گوید و یوسف تخلص می‌نماید».[۳]

اعتیاد در قشون

یکی از ارکان هر جامعه در برابر هجوم‌های خارجی و ناامنی‌های داخلی، نیروی نظامی آن کشور است. سلامت و صلابت این نیروها برای دفاع در مقابل هر تهدیدی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. همانند قشرهای دیگرعصر قاجاریه، نیروهای نظامی نیز در معرض اعتیاد و مصرف تریاک قرار داشته‌اند. البته، نگارنده آگاه است که قاجارها ارتش مدرن نداشته‌اند، لیکن نیروی نظامی حداقلی برای برقراری نظم و امنیت در شهرها و مرزها به صورت همیشگی وجود داشته است. بنابراین، آنچه که مد نظر است، همین نیروی نظامی موجود است. ادیب‌الحکما در مورد مصرف تریاک در بین نیروی نظامی ایران، می‌نویسد:«چنانچه قشون ایران را تریاکی گفتم ولی هرگز برای ادعای خود اثبات نیاوردم الا فقط فرار سرکردگان را که بعد از غلبه و غارت، محض کسالت موقع تریاک ترک شرف و مقام دولت و ملت خود را کرده، می‌خواستند خود را به وافور برسانند. ولی دلیل درستی که در دست دارم این است که در مدت پنج ماه از ایام انعقاد اردو تا زمان پراکنده شدن طول کشید و هیچ وقت عده افراد آن زیاده از دوهزار [و] پانصد نفر نبود، بلکه کمتر می‌شد. به مقدار دویست و هفتاد من به وزن تبریز، تریاک و روزی

---

۱ قهرمان میرزا سالور(۱۳۷۴)، *روزنامه‌ی خاطرات عین السلطنه*، ج۸، تهران: انتشارات اساطیر، ص۶۳۲۲.

۲ محمدعلی‌خان‌سدیدالسلطنه مینایی بندرعباسی(۱۳۶۲)، «*سفرنامه‌ی التدقیق فی سیر الطریق*»، تصحیح احمد اقتداری، تهران: انتشارات بهنشر، ص ۶۳.

۳ سدید السلطنه، همان، ص ۲۹.

هفتاد من قند تبریز در آن اردو به مصرف رسیده علاوه آن شیرهکشی[شیره‌کشی] هم در اردو بود».[۱]

در سندی مربوط به فوج سیستان آمده است:« فوج... نصفه فوج قوای تحت ریاست شجیع-الملک در سیستان می‌باشند دویست نفر آنها در سرحدات وارد هستند و مابقی در شهر زیر دست خودشان. از آن دویست نفر یکصد و پنجاه نفر در... کمیسیون و حدود هیرمند مرتباً منقسم و پنجاه نفر در قلعه سه‌کوب حدود جنوبی سیستان است. قریب یک ثلث یعنی نیم فوج تریاکی و اگر اداره فوج از مبدأ یعنی تربت جلوگیری این فقره را بکنند و تریاکی‌ها را خارج نمایند خیلی خوب می‌شود (مثل فوج ترشیز) یک عشر سرباز هم پیر و از کارافتاده است و محتاج تبدیل. هرگاه این دو عیب برطرف شود و حقوق نقدی در خراسان بدون نقصان... و خانه‌واری محلی پیدا کنند فوج خیلی خوبی است مشروط بر این که ملبوس و تدارک و معلم و... صحیح با ملزومات... داشته باشد».[۲]

وضعیت اعتیاد نیروهای نظامی قاین در سند دیگری مربوط به سال ۱۳۲۲هق، این‌گونه شرح داده شده است.«... نیمه فوج‌فوج قاین شرح احوالش همانست که کراراً بعرض رسید موجودی... روی هم رفته پانصد نفر را تجاوز نمی‌کند جمعی شوکت‌الملک سیصد نفر جمعی حشمةالملک دویست نفر، کمتر از عشر را که استثناء بفرمایید تماماً تریاکی و معیوب و پیر خارج از کارند و باید از نو تشکیلشان داد قریب چهل سال است دولت توجه لایقی بحال سرباز قاین نفرمود و لابد از شیرازه خارج شده است صاحب منصب و تأمین از اولیات نوکری خبری ندارند و هرگز رنگ ملبوس و خدمت صحیح ندیده اند».[۳] این دو گزارش که به صورت سند آمده و قابل اتکا هم هست، این مطلب را می‌رساند که دست‌کم نیمی از سربازان تریاکی بوده اند. مطالب هر دو سند به ناکارآمدی نیروهای تریاکی اشاره کرده‌اند و برای تأیید این امر نیاز به تفسیر بیش‌تر نیست. دولت‌آبادی در مورد وضعیت پاسبانان تهران می‌نویسد: «اداره پلیس که در تحت ریاست اجنبی انتظامی گرفته بود برهم خورده به صورت اول برگردیده است مشتی اشخاص رذل فرومایه افیونی عهده‌دار پاسبانی پایتخت می‌باشند».[۴]

هر چند نمی‌توان در این مورد به آمار متوسل شد، اما گزارش‌ها نشان از رواج بالای اعتیاد

---

۱ ادیب الحکما، همان، ص ۴۳.

۲ مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲۵، پرونده‌ی۶/۱، ص ۱۰.

۳ همان‌جا.

۴ یحیی دولت آبادی(۱۳۶۱)، *حیات یحیی*، ۴ج، ج۲، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۱۲۱.

در بین سربازان دارد. البته این نکته هم ضروری می‌نماید که هر چه به اواخر سده‌ی سیزدهم هجری نزدیک می‌شویم، گزارش‌ها در مورد اعتیاد در بین نیروهای نظامی بیش‌تر به چشم می‌خورد. در هر دو سندی که در بالا ذکر شد، تاریخ آن مربوط به نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم میلادی است. پس از آن، دود کردن تریاک با چنان سرعتی رواج یافت که در سال ۱۳۱۴ هجری قمری، سال دوم سلطنت مظفرالدین شاه، اعتیاد در قشون کشور به اندازه‌ای گسترش یافته بود که میرزا سلیم ادیب‌الحکما، معاون اداره‌ی صحیه‌ی نظام، قشون ایران را تریاکی می‌خواند و همین امر را علت اصلی کوتاهی ایران در مقابل روس‌ها بیان می‌دارد.[۱]

بجز سربازان، گزارش‌هایی در مورد اعتیاد برخی از رؤسا و مقامات بالای نظامی نیز وجود دارد. به طور منطقی، با توجه به درآمد بالای رؤسای نظامی که معمولاً شاه‌زاده های قاجاری بودند، و از طرف دیگر، عدم قبح مصرف تریاک، شیوع مصرف آن در بین رؤسای نظامی قطعاً میزان بیش‌تری داشته است. ادیب الحکما در مورد اعتیاد در بین رؤسای نظامی می‌آورد: «در صورتی که خودشان [فرماندهان رده‌ی بالای قشون] از اول شب تا زمان سواری، متصل می‌فوریدند و بین راه هم عوض فوریدن مانند نخودچی‌کشمش از جیب درآورده، تنقل می‌کردند. ولی بیچاره صاحب منصبان جزء و سربازان و سواران تریاکی، صبحی خود را کوک نکرده و خیک و انبان شجاعت خود را با دود تریاک و تنباکو پر ننموده، آمده، اکنون هم کسالت بی‌تریاکی و خستگی و کوفتگی غالب آمده که دنیا و مافیها به نظرشان نمی‌آید، مگر این که خود را به وافور برسانند».[۲] وی در ادامه‌ی گزارش خود، در مورد کیفیت تریاک مصرفی افراد رده‌ی بالای نظامی می‌نویسد: «و حضرات صاحب منصب‌ها که از درجه سرهنگی تا امیر تومانی ۳۶ نفر بودند، تریاک‌های مخصوص داشتند و هرگز اعتنا به تریاک اردوبازار نمی‌کردند و دایم بساط پهن تریاک کشی را گسترانیده بودند».[۳]

حسین‌قلی‌خان‌نظام‌السلطنه‌مافی در *خاطرات* خود در این مورد می‌نویسد: «شاهزاده در صدد شد که حاجی شریعتمدار را برای نصیحت و استمالت بفرستد، ولی از حرکت در خط راه ابداً تغییری نداد و مستعد شلیک توپ هم شدیم. از طرف آن‌ها چهار پنج سوار به عنوان چرخچی بیرون آمد. از این طرف هم باقرخان سالار و حسن‌خان‌عمه و امیرقلی بهارلو نوکر مهدی‌قلی-

---

۱ ادیب الحکما، همان، صص ۲۹، ۳۴، ۴۳.
۲ همان، ص ۲۹
۳ همان، ص ۴۵.

میرزا بیرون رفتند. حسین‌قلی‌خان بدبخت از خمار مستی و تخدیر تریاک حالت حرکت نداشت، بر روی یک بلندی ایستاده و سوارانش منتظر بودند تا چرخچی‌ها تحریض جنگ کنند و یورش بیاورند».[۱] نویسنده سفرنامه‌های خطی فارسی در سفرنامه خود، در مورد یکی از رؤسای نظامی به نام اسماعیل، می‌آورد: «چیزی نگذشت که جناب «اسماعیل» تشریف آوردند، که: آقا، وافور بدهید. من از کیف بیرون آورده، دادم. آقا، نشسته، به تریاک کشیدن مشغول گردید. سایرین جمع شدند. شش هفت نفر جمع شدند. تمام، با این هیکل منحوس، مبتلا به تریاک بودند».[۲] «فراشباشی همینکه وارد شد، یکسره به طرف منقل وافور رفت و معلوم شد که او هم به کشیدن تریاک عادت دارد».[۳]

ادیب الحکما در مورد بی‌مسئولیتی یکی از امیرتومان‌ها می‌نویسد: «خود حضرت سپهدار اعظم دوربین دست گرفته هر سمتی را می‌پائیدند، و گاهی دستورالعمل می‌دادند. برخی خود شخصاً تیر می‌انداخت و کمک به دستجات می‌فرستادند. ولی حضرات امیر تومان، پایین‌تر و دوردست‌تر از همه استاده و متصل آدم می‌فرستادند که تیر و فشنگ ما تمام شده، در صورتی که پیاده مشغول فوریدن وافور بودند».[۴]

اعتیاد در بین طبقات بالای جامعه

طبقات بالای جامعه که در این‌جا مد نظر است، بیش‌تر درباریان و اطرافیان آن‌ها و دولت-مردان قاجاری را شامل می‌شود. در کتاب *تاریخ لرستان* راجع به رواج اعتیاد در بین دولت‌مردان قاجاری، آمده است: «به قراری که خود ویلسن اعتراف کرد نظرعلی‌خان مردی روشنفکر و در امر حکومت توانا بود و تنها عیبی را که بر او گرفته اعتیاد او به تریاک بوده است که آن هم در آن زمان در همه جا و خصوصاً بین رجال شیوع داشته است».[۵]

همان‌طور که قبلاً گفته شد، مصرف تریاک در ایران دوره‌ی قاجاریه به یک فرهنگ عمومی تبدیل شده بود. این فرهنگ هر چند، امروزه، با توجه به آسیب‌های ناشی از تریاک، بسیار بد

---

۱ *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*(۱۳۶۱)، به کوشش معصومه نظام‌مافی و دیگران، تهران: نشر تاریخ ایران، چ ۱، باب۱، ص ۷.

۲ هارون وهومن(۱۳۸۴)، *سفرنامه‌های خطی فارسی*، ۴ج، ج۲، تهران: نشر اختران، ص ۴۶۱.

۳ حسین لعل (۱۳۴۶)، *قبله‌ی عالم (زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه قاجار)*، تهران: نشرپدیده، ص ۲۷۹.

۴ ادیب الحکما، همان، ص ۲۷.

۵ محمدرضا والیزاده معجزی و حسین والیزاده معجزی(۱۳۸۲ش)، *تاریخ لرستان: روزگار قاجار از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹ش*، تهران: انتشارات حروفیه، ص ۷۸۰.

انگاشته می‌شود، اما در دوره‌ی قاجاریه نه تنها بد نبود، بلکه در بعضی مواقع نشان‌دهنده‌ی شخصیت و شأن خانوادگی افراد هم بود. بر خلاف استعمال حشیش که موجب سرشکستگی در جامعه بود، کشیدن تریاک عیب و ننگ شمرده نمی‌شد و در بین گروه‌های مختلف عمومیت داشت و مورد قبول عامه بود. با چنین زمینه و شرایطی، رواج مصرف تریاک در بین طبقه‌ی بالا نسبت به طبقات دیگر جامعه، باید درصد بسیار بالاتری داشته باشد. این افراد از یک سو، تمکّن مالی لازم به منظور فراهم‌کردن به موقع و کافی تریاک برای مصرف خود داشته‌اند، و از سوی دیگر، اعتیاد نوعی تفنن و روزنه‌ای برای التیام بخشیدن به ناکامی‌های سیاسی و یا اقتصادی‌شان بوده است. همان‌گونه که فورد جونز، توانایی میرزا شفیع صدراعظم در اداره‌ی امور را به تریاک نسبت می‌دهد و می‌نویسد: «چگونه این دولتمرد بزرگ [میرزا شفیع] می‌توانست آن‌همه کارهایش را انجام دهد و چگونه در سن بالای هفتاد، می‌توانست هر روز ساعت‌ها در حضور شاه – به اقتضای آداب درباری– بر پا بایستد؟ من همیشه از تصور آن ناتوان بوده‌ام.البته خیلی وقت‌ها او را می‌دیدم که کاملاً خسته و فرسوده از دربار به دفتر کارش یا خانه‌اش باز می‌گشت و خود را بر روی تشکی می‌انداخت و فوراً به تریاک پناه می‌برد».[۱] «وزیر قوطی کوچکی که در آن چند حب تریاک بود خواست.این دوا در مشرق زمین جانشین مشروبات الکلی است. ایرانیان پس از صرف غذا فوراً دود استعمال میکنند».[۲]

عین‌السلطنه در *روزنامه‌ی‌خاطرات* خود در مورد اعتیاد امیراسعد، می‌نویسد: «تریاکی تریاکی نیست، اما استعمال میکند. من هم بوی تریاک دیشب شنیدم، هم از خلال در اطاق که اندکی بازمانده بود وافور و منقل آتش را دیدم. سابقاً گاهی می‌کشید حالیه گویا همه‌روزه باید یک جزئی بکشد».[۳] در سندی مربوط به سال ۱۳۱۹هق، در مورد اعتیاد حاکم سیستان، آمده است: «وضع سیستان از قراریکه از داخل و خارج شنیده شد و میرزا عبدالخالق مستوفی که برای وصول مالیات آنجا رفته بود سه ماه قبلی مراجعت نموده. تحقیقات واقع امور ازو و دیگران شد. حشمت‌الملک شبانه‌روز را مشغول تریاک و شرب است و ابداً دیده نمی‌شود».[۴] اعتمادالسلطنه

---

۱ سر هارفورد جونز(۱۳۸۷)، *روزنامه‌ی سفر خاطرات هیئت اعزامی انگلستان به ایران*، ترجمه‌ی مانی صالحی‌علامه، تهران: نشر ثالث، ص ۱۲۳.

۲ موریتس فون کوتسهبوئه(۱۳۴۸)، *مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه در سال۱۸۱۷*، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۱۵۶.

۳ عین السلطنه، همان، ج ۸، ص ۶۵۹۴.

۴ مرکز اسناد وزارت امور خارجه(۱۳۱۹هق)، کارتن ۲۱، پرونده‌ی ۲۱، ص ۱۰.

نیز که از نزدیکان ناصرالدین شاه بوده، در گزارش‌های متعدد به اعتیاد خود اشاره کرده است: «تریاکدانم را باید پهلوی بستر بگذارم که علی‌الطبیعه بیدار میشوم حب تریاکی بخورم که تخدیر نموده خوابم ببرد».[۱]

در کنار درباریان و دولت‌مردان قاجاری، گزارش‌هایی در مورد اعتیاد برخی از روحانیان و مقامات مذهبی نیز دیده می‌شود. نویسنده سفرنامه های خطی فارسی، در این مورد می‌نویسد: «او از بزرگان شیخیه آذربایجان بوده و از نظر کنش مذهبی، بسیار متعصب و متشرع بوده است؛ اما متأسفانه معتاد به تریاک نیز بوده و شخصی خرافاتی، دهن‌بین، تنبل، ناامید، مداح حکومت، شکم‌پرست و مغرور محسوب می‌شده است».[۲] اعتمادالسلطنه نیز به مصرف مخدرات توسط ملا موسی اشاره می‌کند و می‌آورد: «از شدت خوردن عرق و کشیدن چرس یک مرتبه افتاد و حالت سکته برای او رو داد».[۳] مراغه‌ای نیز با انتقاد از روحانیان، آن‌ها را متهم می‌کند که نه تنها کشیدن تریاک را تحریم نمی‌کنند، بلکه عده‌ای از آن‌ها خود نیز با برپایی مراسم در خانه‌هاشان به این کار می‌پردازند.[۴]

با توجه به نگاه غیرتحقیرآمیز و عاری از نفرت به تریاک، اعتیاد روحانیان به این ماده چندان عجیب نمی‌نماید. واقعیت امر این است که در مورد طبقه‌ی روحانی، نسبت به طبقات دیگر گزارش‌های کم‌تری در مورد اعتیاد آن‌ها وجود دارد. این مسئله تا حدی می‌تواند به رواج کم‌تر تریاک در بین این طبقه اشاره داشته باشد.

آثار مصرف تریاک بر جامعه‌ی عصر قاجار

افرادی که تریاک مصرف می‌کنند، از نظر روانی، جسمانی و ظاهری دستخوش تغییراتی می‌شوند. این تغییرات روندی منفی طی می‌کند و فردی که به تریاک اعتیاد پیدا می‌کند، روز به روز این نشانه‌ها در او محسوس‌تر و شدیدتر می‌شود. مراغه‌ای در مورد آثار مصرف تریاک در جامعه‌ی عصر قاجار، می‌نویسد:«تن پروری، بیعاری در تمامی رگ و ریشه ابدانشان جای گرفته؛ یک برادر به سبب ابتلای ناخوشی جزام از خانه و لانه دور، برادر دیگر در کنار

---

۱ اعتماد السلطنه، همان، ص ۱۰۷.

۲ وهومن، همان، ج۲، ص ۳۱۰.

۳ اعتماد السلطنه، همان، ص ۱۲۰.

۴ حاجی زین العابدین مراغه‌ای(۱۳۸۴)، *سیاحتنامه‌ی ابراهیم‌بیگ*، به کوشش م.ع. سپانلو، ۳ج، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه، ص ۵۷.

رودخانه با دیگران در عیش و سرور، جمعی هم مبتلای درد بی درمان تریاک‌کشی شده‌اند که بدتر از جذام است».[۱] آثار مصرف تریاک، مانند مصرف آن، به طور مفصل در منابع این دوره انعکاس پیدا کرده است: «نتایجی که از این دو بلا [تریاک و سفلیس] و ابتلاءِ مردم به آن بدست آمد برای ایران کاملاً اندوهبار بود. صرف نظر از سطح نازل مفاهیم اخلاقی تربیتی موجود که برای قومی چنین تیزهوش جلب توجه می‌کند، غیر از بیماری‌های گوناگون بومی که با شدت و حدت خاص بروز می‌کند و آثار مخرب الکل، دو بلای دیگر است که روزگار این قوم را تباه کرده، سفلیس و تریاک. هرگاه در نظر داشته باشیم که میزان متوسط تریاک از طرف یک تریاکی متوسط الحال هفت تا نه گرم است و مردمی هم هستند که روزانه شانزده گرام و بیشتر هم مصرف می‌کنند، می‌توانیم حدس بزنیم که تریاک‌کشیدن چگونه ریشه این ملت را از بیخ و بن کشیده می‌کند»؛[۲] و یا در جایی دیگر آمده است: «سوء استفاده از نام تریاک بلایی بر سر ایران آورده که رفع آن به آسانی میسر نیست. اگر این موضوع صحت داشته باشد که ترک عادت و رسوم دیرینه مدت زیادی وقت می‌خواهد ایران باید مدت زیادی با این رسم و عادت مبارزه نماید».[۳]

یکی از مشکلات اجتماعی‌ای که سیاحان و مأموران کنسولی کشورهای خارجی هم به آن اشاره کرده‌اند، فضای نامطبوعی بوده که در اثر کشیدن تریاک ایجاد می‌شده است. معمولاً در فضاهای عمومی که تریاک مصرف می‌شود، این مکان‌ها به فضای کثیف و بسیار آلوده‌ای تبدیل می‌گردد که این مکان‌ها تنها برای افراد درگیر این مواد تحمل‌پذیر بوده است. اثبات این مسئله، با توجه به فضایی که اکنون در کشورمان در بعضی نقاط وجود دارد، برای دوره‌ی قاجاریه هم تصور آن سهل‌تر است. مراغه‌ای به خوبی این فضا را ترسیم می‌کند و درباره‌ی آن می‌نویسد: «کرایه اتاق این مهمانخانه ارزان و روزی عبارت از یک منات است. ولی خیلی کثیف و خدمتکارانش بی‌تربیت بودند. چون زیاده از دو شب ماندنی نبودیم نخواستیم عوض کنیم. اکثر ساکنانش مسلمان است. هر کس در منزل خود کباب و طعام برای خود می‌پزد. بعضی از آنان غلیان تریاک هم برای خود می‌کشند. به یوسف عمو گفتم : قدری بیرون برویم؛ هم گردش کنیم و هم از بوی بد و ناگوار این تریاک بی‌پیر خلاص شویم».[۴] دالمانی هم به این

---

۱ مراغه‌ای، همان، ص ۱۷۱.

۲ فیروز اشراقی(۱۳۷۸)، *اصفهان از دید سیاحان خارجی*، اصفهان: نشر آتروپات، صص ۶۱۷-۶۱۸.

۳ همان، ص ۵۵۲.

۴ مراغه‌ای، همان، ص ۴۸

مسئله اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در این ایستگاه فقط کلبه‌ای بود که اشخاص زیادی در آن جمع شده و مشغول کشیدن شیره تریاک بودند. بدیهی است در این بیابان که نسیم بی‌آلایشی می‌وزد بوی تریاک زود به مشام می‌رسد و برای اروپاییان که عادت به چنین سم مهلکی ندارند زحمت‌آور می شود».[۱] ادیب الحکما نیز به وضعیت نامناسب مکان‌های تجمع تریاکیان اشاره می‌کند و می‌نویسد:« در زمان محمدعلی شاه قاجار نیز قهوه‌خانه‌های عمومی پاتوغ تریاکیان بوده، و اوضاع بسیار ناگوار و رقت‌آوری داشته است، و ظاهراً پس از خلع وی تا مدتی به پاک‌سازی آن‌ها پرداختند».[۲]

فرد معتاد نمی‌توانسته است مانند یک فرد عادی زندگی کند. این فرد پس از مدتی، از یک‌سو توانایی کارکردن خود را از دست می‌داد،و از سوی دیگر، به علّت مصرف بیش‌تر، هزینه‌های زندگی او مضاعف می‌شده است. در چنین شرایطی، افراد طبقات بالای جامعه که درباریان و تجار و ثروت‌مندان معتاد به تریاک را در بر می‌گرفته، آسیب چندانی نمی‌دیده‌اند. به همین دلیل، به هیچ وجه گزارشی در مورد مشکلات این طبقات، که تعداد افراد معتاد به تریاک هم در بین آن‌ها زیاد بوده است، دیده نمی‌شود. شرایط برای قشر پایین جامعه کاملاً متفاوت بوده است. آنان از یک‌سو می‌بایستی گرانی و قحطی‌های این دوره را تحمل می‌کردند، و از سوی دیگر اعتیاد به تریاک نیز وضعیت وخیم تری را برای این طبقه به وجود آورده بود.: «عجالتاً این بیچاره‌ها محض حفظ غریزیه و حراست قوه اصلیه، قوت تحصیل ذغال زمستان و یخ تابستان را ندارند. تمام زحمات خودشان را به گردن دیگران انداخته، از لذایذ و حظایظ گوناگون دنیا فقط به دود تریاک و دخان تنباکو قناعت کرده، چشم از همه نعمت عالم پوشیده‌اند در کمال کسالت و کثافت زیست می‌کنند».[۳]

درگزارشی مربوط به سال ۱۳۲۹هق که از طرف فردی به نام عبدالجواد فرستاده شده، به مرگ دو نفر بر اثر عدم استطاعت مالی در خرید تریاک و مصرف آن اشاره شده است.[۴] فرد معتادی که توانایی تهیه‌ی مواد برای خود ندارد، یکی از گزینه‌های پیش روی او مرگ است و این گونه افراد همیشه با مرگ دست و پنجه نرم می کنند. در واقع، معضل اعتیاد به تریاک در عصر قاجاریه، تنها به مرگ افراد ختم نمی‌شده و آسیب‌های بسیار جدی و تأسف‌آوری هم

---

۱ دالمانی، همان، ص ۷۰۵.
۲ ادیب‌الحکما، همان، ص ۱۶.
۳ همان، ص ۱۵.
۴ مرکز اسناد وزارت امورخارجه، کارتن ۶۱، پرونده‌ی ۸، ص ۱۳۳.

برای خانواده‌های افراد معتاد در پی داشته است که جای بسی تأمل دارد. در گزارشی که کارگزاری مهم سرخس آن را تهیه کرده، آمده است: «بعضی از رعایای این سرحد بواسطه گرفتاری به تریاک و قرض توپچی و سرباز مجبور بفرار[به] خاک روس میشوند. صد الی... تومان از رعایای روس گرفته دختر و خواهر خودشانرا... تراکمه میدهند اگر دختر و خواهری نداشته باشند عیالهای خودشانرا باسم خواهر و دختر خود بتراکمه میفروشند. هر وقت فدوی مطلع شده ام حتی الامکان ممانعت و جلوگیری کرده‌ام ولی از راه دیگر بطرف مرو و... و... ».[1]

چگونه می‌شود که فردی حاضر می‌گردد خواهر، دختر و مادر خود را به بیگانه بفروشد تا بتواند برای خود تریاک تهیه نماید؟ جواب جز درماندگی اقتصادی و اجتماعی و روانی، چیز دیگری نمی تواند باشد. در واقع، فردی که دست به چنین کاری می‌زند، مطمئناً در برابر خانواده‌های دیگران و جامعه‌ی خود نیز مسئول نیست و می‌تواند این چنین رفتارهایی را با آن‌ها هم داشته باشد. در چنین جامعه‌ای امنیت اجتماعی پایدار معنای چندانی نداشته و همه‌ی افراد جامعه در معرض خطر قرار می‌گرفته‌اند. در دنیای امروز که چندین نهاد حمایتی برای حمایت از افراد معتاد و خانواده‌های آن‌ها وجود دارد، گاه حوادث مشابه عصر قاجار تکرار می‌شود. پس وضعیت این گونه افراد و خانواده‌هایشان که در عصر قاجار فاقد این چنین نهادهای حمایتی بوده‌اند، باید بسیار وخیم تر بوده باشد. در این‌جا ما با تک گزارش هم روبه‌رو نیستیم تا بتوانیم این مسئله را رد کنیم و یا آن گزارش را استنادپذیر ندانیم. در همین راستا، گزارش دیگری نیز وجود دارد که در آن هم، ناموس فروشی افراد معتاد به بیگانگان، به دلیل اعتیاد به تریاک، ارائه شده است. فاصله‌ی زمانی بین این دو گزارش سه سال، یعنی اولی مربوط به سال ۱۳۲۱هق، و دومی مربوط به سال ۱۳۲۴هق است.[2]

ذهنیت غلطی که در بین افراد عادی و حتی برخی از محققان وجود دارد، این است که تریاک در قدیم به علت آن که خلوص بیش‌تری داشته و مواد شیمیایی با آن مخلوط نمی‌شده، افراد را دچار آسیب‌های کم‌تری می‌کرده است. این مسئله با گزارش‌هایی که در دوره‌ی قاجاریه به فراوانی یافت می‌گردد، به طور کامل رد می‌شود. شاید تنها تریاک خالص آسیب کم‌تری به بعضی از قسمت‌های بدن بزند، اما خاصیت معتادکنندگی آن همیشه وجود داشته است. اعتماد السلطنه، به فردی به نام «شوهری» اشاره می‌کند و درباره‌ی او می‌نویسد: «من خود دو سه بار با

---

۱ همان، کارتن ۶، پرونده‌ی ۷، ص ۱۱.

۲ همان، کارتن ۹، پرونده‌ی ۴، ص ۴.

او صحبت داشتم. خیلی پریشان یافتم. از وجناتش معلوم می‌شود که استعمال مخدری چپق تریاک یا چرس می‌کند. چشمهایش دوران مخصوصی پیدا کرده بود و کلماتش غیر مرتب بود».[۱] اگر جامعه‌ی قاجاری را که در آن افراد زیادی به تریاک معتاد بوده‌اند، دارای وضعیت توصیفی بالا تصور کنیم، باید یک فاجعه‌ی اجتماعی و انسانی را در این دوره شاهد بوده باشیم. به بیان دیگر، چگونه می‌شود از فردی که توانایی حرف زدن ندارد، انتظار کار مفید برای جامعه‌اش را داشت؟

اعتیاد به تریاک، اگر چه در نگاه اول یک مسئله‌ی شخصی به نظر می‌رسد، لیکن واقعیت چیز دیگری است: فرد معتاد، بعد از مدتی، صرف‌نظر از این که هیچ کارکرد مفیدی برای جامعه‌اش ندارد، آسیب‌های فراوانی هم به مردم و اقتصاد آن کشور می‌زند. تمام موارد فوق در گزارش زیر که مربوط به سال ۱۳۲۲هق، است، انعکاس پیدا کرده است: «بر خاطر مبارک پوشیده نیست... نقاط مختلف مملکت... بواسطه عادت اهالی این مملکت است بکشیدن تریاک. زن و مرد وضیع و شریف و بزرگ و کوچک تماماً عادت بکشیدن شیره تریاک... میگویند و بکلی عمل تجارت و زراعت و کاسبی ... گذاشته و ... مملکت به این عظمت و بزرگی و اراضی... و آبهای جاری در خرابی و انهدام است. و همان حالت مملکت چین را پیدا نموده و حتی ... از اشخاص ... بتریاک بعمل می‌آید ابداً صاحب بنیه و قوه و قدرت نمی‌شوند که بتوانند مصدر کاری بشوند و عادات پدر و مادر و ... مزاج آنها را ناچار بکشیدن تریاک می‌کند از نقاط دیگر خراسان اطلاع ندارم و... تربت حیدریه متجاوز از سی باب دکان مخصوص کشیدن تریاک... باز کرده‌اند و اشخاص... شب و روز در آنجاها جمع و مشغول این کار هستند عوض اینکه ... از اینگونه مفاسد جلوگیری نماید و مگذارد اراذل و اوباش برای دخل خودشان... دکانها را باز کنند... این کار میکنند اگر بیست باب دکان بوده ده باب اسم عدد کرده و همه روزه در تزاید است و حکومت هم وجه اجاره را هر سال... کرده میگیرد و حال ... دولت ابداً اجازه نداده و این مالیات از دفتر ... بکلیه حکام خراسان قدغن اکید نمود همه دکاکین تریاک کشی را در شهرها و بلده و دهکده ها بسته و گرفتن مالیات را موقوف بدارند. امید است که استیلای این سم مهلک تخفیف کلی پیدا نماید و مملکت...».[۲]

گزارش بالا نشان می‌دهد که وضعیت اعتیاد به گونه‌ای بوده است که در سطح کلان می

---

۱ اعتماد السلطنه، همان، ص ۸۸.

۲ همان، کارتن ۱۲، پرونده‌ی ۷، ص ۱۱۲.

توانسته تأثیرات منفی بر وضعیت اقتصادی ایران داشته باشد. در گزارش صاحب سفرنامه های خطی فارسی، نیز این آسیب‌های اقتصادی مصرف تریاک مشهود است: «اراضی «یکان»به‌طور قطع متعلق به خوانین آنجا است. اکثر خوانینش صاحب‌منصب دیوانی و از تربیت‌یافتگان شاهزادهٔ خلدآشیان «نایب‌السلطنه» طیب اللّه رمسه هستند. جوانان «شجاع» و «رشید» این محال مشهور و معروف است، ولی اکنون به جهت شیوع چوبوق تریاک و از جهت میل جوانان به کشیدن آن، یک‌جا از کار افتاده‌اند».[1] در مقابل این گزارش‌ها، پرسش‌هایی هم مطرح است که پاسخ به آن‌ها چندان آسان به نظر نمی‌رسد. آیا مصرف تریاک توسط مردم در دوره‌ی قاجاریه به اقتصاد این دوره آسیب کلان رسانید؟ آیا می‌توان بین بهره‌وری پایین کار در جامعه‌ی عصر قاجار و مصرف تریاک، رابطه‌ی مستقیم برقرار کرد؟ در این‌که مصرف مواد مخدر به بهره‌وری کاری یک کارگر آسیب می‌رسانده است، هیچ شکی نیست؛ لیکن مسئله این است که اثبات اعتیاد در سطح کلان، کار چندان آسانی نیست. البته، این واقعیت نباید فراموش شود که در عصر قاجاریه از یک‌سو به طور طبیعی بهره‌وری کاری بسیار پایین بوده، و از سوی دیگر، اقتصاد نیمه سنتی قاجارها کار چندانی را طلب نمی‌کرده است.

نتیجه‌گیری

تریاک همراه با آثار زیان‌بارش بر اقتصاد کشور، جامعه‌ی ایران در دوره‌ی قاجاریه را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. این ماده در کنار خاصیت بسیار مهم و مثبت آن، که کاربردش در صنعت داروسازی و پزشکی بود، نقش بسیار مخرب و منفی اعتیادی نیز داشت. استفاده‌ی دارویی و پزشکی از تریاک در دوره‌ی قاجار، به علت نبود فن‌آوری و دانش لازم، چندان مناسب و متناسب با بیماری‌ها نبود و حتی استفاده‌ی ناصحیح و نابجا از آن در درمان بعضی بیماری‌های کودکان، منجر به اعتیاد افراد شده بود و حتی بعضی از افراد بزرگ‌سال نیز، بعد از مدتی مصرف تریاک برای درمان بیماری خاصی، به آن اعتیاد پیدا می‌کردند.

همچنین، بنا به عللی مانند در دسترس بودن و فراوانی آن، نبود نهادهای نظارتی و پیش‌گیری کننده و برخی تصورات غلط در مورد خواص تریاک، اعتیاد در جامعه‌ی عصر قاجار بسیار رواج یافته بود. همان‌طور که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، اعتیاد در بین همه‌ی طبقات جامعه، اعم از مردم عادی، دولت‌مردان و دیگر طبقات بالای جامعه، پراکنده بود. از این رو،

---

۱ وهومن، همان، ج ۱، ص ۱۳۸.

نمی‌توان میزان فراوانی بیش‌تر آن را در بین این گروه‌ها تعیین کرد. هر چند شواهد ضعیفی وجود دارد که نشان می‌دهد مصرف تریاک در بین طبقات بالای جامعه‌ی قاجار شیوع بیش‌تری داشته است.

به طور طبیعی، اعتیاد تبعات منفی فراوانی در پی دارد و این مسئله درخصوص جامعه‌ی عصر قاجار نیز صدق می‌کند. ازهم‌پاشیدگی خانواده‌ها که مشکلات اجتماعی زیادی به همراه داشت، از آثار مستقیم مصرف تریاک بود. همچنین، ضعف جنسی، از کارافتادگی و ناتوانی در انجام‌دادن کارهای روزمره، از دیگر آثار مصرف تریاک در این دوره بوده است. به‌رغم این‌که شواهد زیادی در مورد اختلال در بعضی فعالیت‌های اقتصادی و نظامی و دولتی، به صورت فردی و در مواردی جمعی هم وجود داشت، با وجود این، نمی‌توان بین رواج اعتیاد در جامعه‌ی عصر قاجار و بعضی از معضلات این دوره، مثل عقب‌ماندگی اقتصادی، برخی شکست‌های نظامی و سایر مشکلات مربوط به آن، رابطه‌ی مستقیمی برقرار کرد و یکی از علل بروز این معضلات را رواج اعتیاد در جامعه‌ی عصر قاجار دانست.

منابع و مآخذ

الف. کتاب‌ها

- ادیب الحکما، سلیم(۱۳۶۴)، *صحبت سنگ و سبو*، به کوشش مهین اثنا عشری، تهران: نشر تاریخ ایران.
- آذرخش، حسنعلی(۱۳۳۴)، *آفت زندگی*، تهران: [بی‌نا].
- استارک، فریا(۱۳۶۴)، *سفری به دیار الموت، لرستان و ایلام*، ترجمه‌ی علی‌محمدساکی، تهران: انتشارات علمی، چ۱.
- اسعدی، حسن(۱۳۸۲)، *پژوهشی درباره‌ی مواد مخدر*، [بی‌جا]: ناشرمؤلف.
- اسمیت، آنتونی(۱۳۶۹)، *ماهی سفید کور در ایران*، ترجمه‌ی محمود نبی‌زاده ، تهران: نشرگستره ، چ۱.
- اشراقی، فیروز(۱۳۷۸)، *اصفهان از دید سیاحان خارجی*، اصفهان: نشر آتروپات.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان(۱۳۷۷)، *روزنامه خاطرات*، مقدمه و فهارس از ایراج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- الئاریوس، آدام(۱۳۶۳)، *سفرنامه*، ترجمه‌ی احمد بهپور، [بی‌جا]: سازمان انتشارات و فرهنگی ابتکار.
- برومند سعید(۱۳۶۶)، جواد، *افیون در شراب*، تهران:چیستا.
- بلوشر، ویپرت (۱۳۶۰)، *سفرنامه‌ی بلوشر*، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- بیهقی، ابوالفضل‌بن‌محمدبن‌حسین(۱۳۵۰)، *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.

- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، *ایران و ایرانیان*، ترجمه‌ی کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی، چ۲.
- *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*(۱۳۶۱)، به‌کوشش معصومه نظام مافی و دیگران، تهران: نشر تاریخ ایران، چ ۱، باب۱.
- رابینو، یاسنت‌لویی(۱۳۶۵)، *سفرنامه‌ی مازندران و استراباد*، ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رنه دالمانی، هانری(۱۳۳۵)، *سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری*، ترجمه‌ی علی محمد فره‌وشی،۲ج، تهران: چاپ گیلان.
- ریچار، فردر(۱۳۶۱)، *نقش انگلیس در ایران*، تهران: انتشارات فرخی.
- سدیدالسلطنه، محمدعلی‌خان(۱۳۶۲)، سفرنامه‌ی سدیدالسلطنه، تصحیح احمد اقتداری، تهران: انتشارات بهنشهر.
- شهری، جعفر[بی‌تا]،*گوشه‌ای از تاریخ اجتماعی تهران قدیم*، ۵ج، تهران:
- عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا(۱۳۷۴)، *روزنامه‌ی خاطرات عین السلطنه (قهرمان میرزا)*،ج۸، به تصحیح مسعود سالور– ایرج افشار، تهران: انتشارات اساطیر، چ ۱.
- غنجی، علی(۱۳۸۵)، *ژئوپلیتیک مواد مخدر*، تهران: معاونت آموزش ناجا، چ ۲.
- کوتسهبوئه، موریتس‌فون(۱۳۴۸)، *مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه در سال۱۸۱۷*، ترجمه‌ی محمود هدایت، تهران: امیرکبیر.
- لعل، حسین (۱۳۴۶)، *قبله‌ی عالم (زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه قاجار)*، تهران: نشر پدیده.
- مراغه‌ای، حاجی‌زین‌العابدین(۱۳۸۴)، *سیاحتنامه‌ی ابراهیم‌بیگ*، به کوشش م.ع. سپانلو، ۳ ج، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات آگاه.
- ویلس، چارلز جیمز(۱۳۶۶)، *تاریخ اجتماعی ایران*،ترجمه‌ی سید عبدالله، تهران: انتشارات طلوع.
- وهومن، هارون(۱۳۸۴)، *سفرنامه‌های خطی فارسی*، ۴ج، تهران: نشر اختران.

ب. اسناد

- مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۲۱، پرونده‌ی۲۱.
- -----، کارتن ۱۲، پرونده‌ی ۷.
- -----، کارتن ۲۵، پرونده‌ی۶/۱.
- -----، کارتن ۲۵، پرونده‌ی۶/۱.
- -----، کارتن ۶، پرونده‌ی ۷.
- -----، کارتن ۹، پرونده‌ی ۴.
- -----، کارتن ۶۱، پرونده‌ی ۸.